

سیاست کیفری ایران در زمینه کاهش جرایم مالیاتی (مطالعه موردی شهر اهواز)

ایرج گلدوزیان

استاد گروه حقوق دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی قشم

حفیظ الله حبیبی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، کارشناس ارشد مالیاتی اداره امور مالیاتی

خوزستان hafiz.habibi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مجازات‌ها در کاهش جرایم مالیاتی است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و برای اجرای آن از روش توصیفی-همبستگی استفاده شد. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته (دارای ابعاد ۱- تناسب جریمه با جرم؛ ۲- باور مالیاتی؛ ۳- آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی؛ ۴- تأثیر مجازات‌ها و مشوق‌ها در مالیات) استفاده شده است. جامعه آماری در پژوهش حاضر کلیه کارکنان اداره مالیات شهرستان اهواز در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ می‌باشد و برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. جهت تجزیه تحلیل داده‌ها در سطح آمار استنباطی از آزمون t مستقل با میانگین فرضی ۳ استفاده و نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای تناسب جریمه با جرم؛ باور مالیاتی؛ آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی؛ تأثیر مجازات‌ها و مشوق‌ها در مالیات بیش‌تر از حد متوسط بر کاهش جرایم مالیاتی تأثیرگذار است و با بهبود هر کدام از مؤلفه‌های فوق می‌توان امید داشت که میزان فرار مالیاتی و جرائم مالیاتی کاهش یابد.

کلیدواژه‌ها: مجازات، مالیات، فرار مالیاتی، جرایم مالیاتی

۱- مقدمه

تاریخ پیدایش مالیات بر تاریخ پیدایش اولین جوامع بشری منطبق بوده است. تامین معاش بیش‌تر و بهتر، گریز از حوادث طبیعی، ناتوانی فردی انسان‌ها، بشر را واداشت که به زندگی دسته جمعی و اجتماعی رو آورد اولین شکل همکاری همگانی در جوامع به صورت در اختیار گذاشتن نیروی بدنی و کار انسان‌ها آغاز شد که اصطلاحاً بیگار یا بیگاری نامیده می‌شد که می‌توان آن را به نوعی مالیات غیرنقدی قلمداد کرد و با توجه به گسترش جوامع و نیازهای آن علاوه بر مالیات غیرنقدی، مالیات نقدی و جنسی نیز متداول شد. مطابق کاوش‌های انجام شده قدیمی‌ترین مقررات مالیاتی مربوط به یکی از پادشاهان سومر به نام (اور-نمو) بود که در اواسط قرن سوم پیش از میلاد تدوین شده است که پایه اخذ مالیات در امپراطوری بزرگ ایران باستان بوده است. آنان با تقسیم‌بندی افراد جامعه به سه دسته مردان آزاد، بردگان و غلامان و طبقه متوسط نسبت به اخذ مالیات اقدام می‌کردند آزادگان مجبور به پرداخت مالیات نقدی و بیگار بودند از صاحبان اموال غیرمنقول نیز مالیات دریافت می‌شد. منابع مالیاتی دولت اغلب غنایم جنگی، مالیات پرداختی ملل مغلوب، مالیات جنسی اراضی مزروعی، بیگاری دربار، عوارض جنگ، مالیات باغ‌ها و خانه‌ها، قایق‌ها، رمه و احشام و ماهیگیری بود (بهمنش، ۱۳۸۶). در دوره معاصر نیز مالیات، قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که برای پرداخت مخارج و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منابع اقتصادی و سیاسی کشور، بر اساس قوانین با اهرام‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. عده‌ای مالیات را مبلغی می‌دانند که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات، بر طبق قانون، برای تقویت حکومت و تأمین مخارج عمومی اخذ نماید (فرهنگ، ۱۳۸۶).

گسترش تعدهای دولت در عرصه اقتصادی، اجتماعی و تلاش برای تحقق اهدافی هم‌چون رشد اقتصادی، ثبات قیمت‌ها، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد، هزینه‌های دولت را با روند صعودی مواجه می‌نماید. تأمین مالی چنین هزینه‌هایی نیازمند منابع درآمدی کافی است. به صورت کلی می‌توان درآمدهای دولت را به دو گروه عمده درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی تقسیم نمود.

درآمدهای مالیاتی قابل قبول‌ترین و مناسب‌ترین نوع مالیات از نظر اقتصادی است. به گونه‌ای که در بسیاری از کشورها درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر منابع مهم درآمدی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. هم‌چنین مالیات در جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی اعم از توزیعی، مالی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان

اقتصادی مانند تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی ابزاری کارآمد به شمار می‌آید (مجتهد و احمدی، ۱۳۸۷). با وجود تمامی مزیت‌های ذکر شده برای درآمدهای مالیاتی وصول این گونه درآمدها همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. یکی از دلایل فاصله داشتن سطح تحقق یافته مالیات از سطح واقعی آن، وجود پدیده فرار مالیاتی است. هر وضعیتی از عدم تمکین که منجر به عدول از تکالیف مالیاتی، قانونی اشخاص حقیقی و حقوقی گردد. فرار مالیاتی به حساب می‌آید. از جمله، عدم تسلیم اظهار نامه مالیاتی در موعد مقرر قانونی، گزارش کم‌تر از واقع درآمد سود یا ثروت، گزارش بیش از واقع کسورات، ارائه اطلاعات مخدوش، تأخیر در پرداخت به موقع مالیات برای سوء استفاده از شرایط تورمی و به‌طور کلی هر گونه تلاش غیرقانونی برای نپرداختن مالیات، فرار مالیاتی نامیده می‌شود (ضیایی و طهماسبی، ۱۳۸۳). شایع‌ترین زمینه‌های مؤثر در پیدایش فرار مالیاتی را می‌توان این گونه معرفی نمود: ۱- عدم گسترش فرهنگ مالیاتی ۲- عدم مبادله کامل اطلاعات و نبودن سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات؛ ۳- تشخیص علی‌الرأس و وجود ضعف در اجرای آن؛ ۴- ضعیف بودن ضمانت اجرائی قوانین مالیاتی؛ ۵- تأخیر در وصول به موقع مالیات؛ ۶- وجود معافیت‌های مالیاتی وسیع و متنوع؛ ۷- پیچیدگی و بهام در قوانین و مقررات مالیاتی، ۸- ضعف سیاست‌های مالی، ۹- عدم توجه به جذب منابع انسانی کارآمد؛ ۱۰- عدم وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مودیان؛ ۱۱- عدم اطلاع مؤدیان مالیاتی از حقوق خود. به رغم کوشش‌های فراوان، به دلایل گوناگون، تعداد قابل توجهی از مودیان، رغبتی برای پرداخت مالیات ندارند. دلایل عمده این پدیده، بی‌اعتمادی تاریخی، نبود شفافیت و ارتباطی مناسب میان درآمدهای مالیاتی و محل مصرف آن‌ها در کشور می‌باشد. ولی، به هر حال، واقعیتی است که در بخش درآمدزایی پایدار به‌عنوان مانع جدی مطرح است (محمدی، ۱۳۸۶).

بنابراین فرار مالیاتی اقدام نادرستی است که به موجب آن مالیات دهندگان تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای غیرقانونی، بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. به گفته فراریولا (۱۹۸۷)، فرار مالیاتی تقلب، حيله گری، تحریف عمدی یا پنهان کردن اعداد و ارقام با هدف اجتناب از پرداخت و یا کاهش میزان مالیات پرداختی است. که این خود آثار سوئی بر اقتصاد می‌گذارد که می‌توان به تأثیر آن بر اقتصاد، توزیع درآمد، پس انداز بخش خصوصی و .. اشاره نمود. بنابراین دولت با اعمال مجازات‌هایی در صدد کاهش میزان این جرم شده است. پس از انقلاب، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵

متناسب با ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور، تغییر و تحولات بسیاری داشت و بیش‌ترین اصلاحات آن مربوط به سال ۱۳۶۶ است. و ماده ۲۰۱ مورد اصلاح قرار گرفت بدین شرح «هر کس به قصد فرار از پرداخت مالیات از روی علم و عمد به تراز نامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه یا تنظیم شده استناد نماید به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. مدیر یا مدیران مسوول اشخاص حقوقی که به علت خودداری از انجام تکالیف مقرر راجع به تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان و دفاتر و اسناد و مدارک باعث تشخیص درآمد اشخاص مذکور به کم‌تر از میزان واقعی گردند و این امر به موجب اسناد و دلایل محرز شود مشمول مجازات مقرر در این ماده خواهند بود لایحه اصلاحیه این قانون در سال ۱۳۷۶ به مجلس ارائه شد و در اواخر سال ۸۰ (۱۳۸۰/۱۱/۲۷) به تصویب رسید. متن زیر جایگزین ماده ۲۰۱ می‌شود و یک تبصره به آن الحاق می‌گردد. هرگاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب سود و زیان خودداری کند علاوه بر جرمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد. (تبصره - تعقیب و اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مراجع قضایی از طرف رئیس سازمان مالیاتی کشور به عمل خواهد آمد).

جعفری صمیمی و حمزه‌ای (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که از میان سه گروه عوامل فرار مالیاتی، سازمانی، قانونی و ساختاری به ترتیب، عوامل ساختاری، قانونی و سازمانی به‌عنوان عوامل فرار مالیاتی، شناسایی شد و از میان متغیرهای تحقیق ضعف گردش پولی کشور، ضعف نظام اطلاعات مالیاتی و پیچیدگی قوانین مالیاتی به‌ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در ایجاد فرار مالیاتی پلافروشان مازندران داشته‌اند.

در پژوهش نصر اصفهانی؛ نصر اصفهانی و دلوی (۱۳۹۱) این نتایج حاصل شد که، از نقطه نظر مؤدیان مشاغل، عوامل سیاسی و اقتصادی بیش‌ترین تأثیر و عامل محیطی کم‌ترین تأثیر را داشته است. از نظر کارشناسان کادر تشخیص، عوامل سیاسی، اقتصادی و قانونی بیش‌ترین تأثیر و عامل محیطی کم‌ترین تأثیر را داشته‌اند.

هادیان و تحویلی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، بیان می‌دارد که چهار متغیر نرخ مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سرمایه اجتماعی و تورم، در این حوزه بیش‌ترین اثرگذاری را نیز دارا هستند. یودیال و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه میان فرهنگ و فرار مالیاتی در نیجریه پرداختند. آنها با در نظر گرفتن سه متغیر اجرا قانون، اعتماد به دولت اعتقادات دینی به‌عنوان متغیرهای فرهنگی، دریافتند که بین اجرای قانون و فرار مالیاتی یک رابط مثبت قوی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین میان میزان اعتماد به دولت و فرار مالیاتی نیز یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشته است که میزان معنی‌داری در این حالت بیش‌تر از مورد قبل بوده است (۵ در مقابل ۱۰ درصد)، ولی در مقابل، بین دین داری و فرار مالیاتی هیچ گونه رابطه معنی‌داری وجود نداشته است. ریچاردسون (۲۰۰۶) به بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی برای ۴۵ کشور پرداخت. و به این نتیجه رسیده است که عوامل غیراقتصادی و از میان تمامی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، پیچیدگی قوانین و مقررات بیش‌ترین تأثیر را بر فرار مالیاتی داشته‌اند. در میان عوامل اقتصادی نیز می‌توان به سطح تحصیلات، میزان درآمد، عدالت و اخلاق مالیاتی اشاره کرد. وی نتیجه‌گیری می‌نماید که با کاهش پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، افزایش سطح تحصیلات افراد و بهبود منابع درآمدی، میزان فرار مالیاتی در کشورها کاهش خواهد یافت.

به طرز کلی در بیش‌تر کشورهای دنیا تا ۹۰ درصد از منابع مالی دولت‌ها از دریافت مالیات به‌دست می‌آید و ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی را مالیات تشکیل می‌دهد، بررسی عملکرد نظام مالیاتی کشور نشان می‌دهد که برای تأمین درآمدهای دولت، نظام مالیاتی کارایی چندانی نداشته است و نسبت مالیات به مخارج کل کشور حدوداً ۳۰ درصد است. از دلایل پایین بودن این نسبت، عدم کارایی کارگزاران جمع‌آوری مالیات، ساختار اقتصادی، روابط اجتماعی و فرهنگی، فرار مالیاتی، صحیح نبودن میزان درآمد افراد، مشخص نبودن میزان درآمدها و ... عنوان شده است. به دلیل این که مالیات بیش‌تر به صورت «بار» تلقی می‌شود، صاحبان مشاغل تمایل به کاهش آن و در نتیجه فرار مالیاتی دارند (جعفری صمیمی و حمزه‌ای، ۱۳۸۴). آثار فرار از پرداخت مالیات می‌تواند آن گونه باشد که بین درآمدی که قانوناً باید وصول شود و درآمدی که جمع‌آوری می‌شود، رابطه اندکی برقرار شود. از آنجا که پرداخت مالیات یک وظیفه انسانی، دینی و شرعی است، نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشور و رشد و توسعه همه جانبه اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد. با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت مالیات در توسعه کشور پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مجازات‌ها در کاهش جرایم مالیاتی انجام خواهد گرفت.

۲- سوال‌های پژوهش

سوال اصلی: مجازات‌ها تا چه میزان باعث کاهش جرایم مالیاتی می‌شوند؟

سوال فرعی

- ۱- فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه باعث فرار مالیاتی شده است؟
- ۲- آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات باعث کاهش تخلفات مالیاتی می‌گردد؟
- ۳- صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مودیان باعث کاهش فرار مالیاتی می‌شود؟

۳- روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و برای اجرای آن از روش توصیفی-همبستگی استفاده شد است. این پژوهش از آن روی همبستگی خوانده می‌شود که سعی بر آن دارد تا ارتباط بین تأثیر مجازات‌ها در کاهش جرایم مالیاتی را مورد بررسی قرار دهد در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کمی استفاده شده است. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه مذکور دارای ۴ مؤلفه و مجموعاً ۲۳ سؤال است. مؤلفه‌ی اول (تناسب جریمه با جرم)، دارای ۶ سؤال، مؤلفه‌ی دوم (باور مالیاتی)، دارای ۶ سؤال، مؤلفه‌ی سوم (آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی)، دارای ۵ سؤال، مؤلفه‌ی چهارم (تأثیر مجازات‌ها و مشوق‌ها در مالیات)، دارای ۶ سؤال است. جامعه آماری در پژوهش حاضر کلیه کارکنان اداره مالیات شهرستان اهواز در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ می‌باشد و برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. جهت تجزیه تحلیل داده‌ها در سطح آمار استنباطی از آزمون t مستقل با میانگین فرضی ۳ استفاده شده است و این کار از طریق نرم افزار SPSS انجام پذیرفت.

۴- یافته‌های پژوهش

سوال اصلی: مجازات‌ها تا چه میزان باعث کاهش جرایم مالیاتی می‌شوند؟

جدول ۱- مقایسه میانگین نمره مجازات‌ها با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	T
مجازات‌ها	۳/۵۲	۰/۳۳۵	۰/۰۳۰	۱۷/۲۵۷

بر اساس اطلاعات جدول (۱)، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد بنابراین میزان تأثیر مجازات‌ها در کاهش جرایم مالیاتی بیشتر از حد متوسط است. این نتایج بیانگر آن است که کارکنان سازمان مالیاتی شهرستان خوزستان معتقدند که با افزایش مجازات‌ها می‌توان از افزایش جرایم مالیاتی جلوگیری کرد و به تبع آن باعث کاهش جرایم مالیاتی شد.

فرضیه فرعی

۱- فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه باعث فرار مالیاتی شده است؟

جدول ۲- مقایسه میانگین نمره فقدان باور مالیاتی با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	T
فقدان باور مالیاتی	۳/۳۵	۰/۵۷۰	۰/۰۵۱	۶/۷۷۸

بر اساس اطلاعات جدول (۲)، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد بنابراین میزان تأثیر فقدان باور مالیاتی در افزایش جرایم مالیاتی بیشتر از حد متوسط می‌باشد. بنابر این با توجه به این نتایج کارکنان اداره مالیات معتقدند اگر در بین مؤدیان مالیاتی باور به پرداخت مالیات وجود نداشته باشد و پرداخت مالیات در آنها درونی نشده باشد میلی به پرداخت مالیات ندارند و این امر باعث کاهش و یا فرار مالیاتی در مؤدیان می‌گردد.

۲- آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات باعث کاهش تخلفات مالیاتی می‌گردد؟

جدول ۳- مقایسه میانگین نمره آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	T
آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات	۳/۱۵	۰/۴۱۱	۰/۰۳۷	۴/۲۴۸

بر اساس اطلاعات جدول (۳)، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد. بنابراین آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات بیش‌تر از حد متوسط در کاهش جرایم مالیاتی تأثیر گذار می‌باشد. بنابر این با توجه به این نتایج کارکنان اداره مالیات معتقدند آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات سبب می‌گردد که افراد از تشویق‌ها و مجازات‌های پرداخت و عدم پرداخت مالیات‌ها آشنا شده و این خود موجب می‌گردد تا فرار مالیاتی کاهش پیدا کرده و مؤدیان به پرداخت به موقع مالیات تشویق گردند.

۳- صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤدیان باعث کاهش فرار مالیاتی می‌شود؟

جدول ۴- مقایسه میانگین نمره صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤدیان با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	T
صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی	۳/۱۵	۰/۴۰۸	۰/۰۳۴	۴/۳۲۸

بر اساس اطلاعات جدول (۴)، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد. بنابراین صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤدیان بیش‌تر از حد متوسط در کاهش جرایم مالیاتی تأثیرگذار می‌باشد. بنابراین با توجه به این نتایج کارکنان اداره مالیات معتقدند که صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤدیان سبب می‌گردد که آنها نسبت به پرداخت مالیات احساس مسئولیت کرده و نسبت به پرداخت به موقع مالیات اقدامات لازم را به عمل آورند و این امر خود باعث کاهش فرار مالیاتی می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و غیرقابل انکارترین سازمان‌ها در جهان امروز، دولت‌ها هستند. دولت‌ها وظایف مهمی چون امنیت، آموزش، بهداشت و دادرسی را بر عهده دارند که اجرای تمامی این وظایف احتیاج به بودجه‌های کلان دارد؛ تأمین این هزینه‌ها از طریق مالیات صورت می‌پذیرد (تقوی دامغانی، ۱۳۸۷). به‌عنوان مثال در کشورهای پیشرفته در سال ۱۹۹۶ از ۲۸/۵ درصد در ژاپن تا ۵۶/۶ درصد در سوئد در نوسان بوده است. یعنی مثلاً در ژاپن مالیات دریافتی دولت، معادل ۲۸/۵ درصد نسبت به تولید ناخالص ملی، بوده است. در صورتی که در ایران در سال ۱۳۸۰ مالیات، معادل ۵ درصد نسبت به تولید ناخالص ملی را تشکیل داده است (توکلی، ۱۳۸۲) کمبود سهم مالیات در اداره کشور ما، ناشی از وجود کالای نفت بوده است در صورتی که این سهم می‌تواند تا ۴۵ درصد افزایش یابد. مالیات‌ها عموماً از اهداف درآمدی، تثبیتی، تخصیصی و توزیعی برخوردارند. (دادگر، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که مالیات در صورتی می‌تواند مفید باشد که از سه اصل کارآمدی، اقتصادی بودن و عادلانه بودن تبعیت کند و گرنه نه تنها نمی‌تواند به اهداف خود برسد؛ بلکه می‌تواند تأثیرات معکوس نیز بر اقتصاد بگذارد. بنابراین اولین هدف از وضع و جمع‌آوری مالیات، تأمین مالی هزینه‌های دولتی است. در کشورهایی که دارای نظام مالیاتی کارآمدی هستند، درآمدهای مالیاتی گاهی بالغ بر نزدیک ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی نیز می‌شود. هر چه میزان بیش‌تری از هزینه‌های دولت توسط مالیات تأمین شود، نظام مالیاتی از انسجام و قدرت بیش‌تری برخوردار خواهد بود، زیرا راه‌های دیگر تأمین هزینه (فروش منابع ملی و استقراض) از نظر اقتصادی توجیه کافی ندارند. اصولاً در موارد زیادی، در صورتی که مالیات اعمال نشود و یا به‌طور نامناسب برقرار شود، اختلاف درآمدی شدید می‌تواند بین اقشار مختلف مردم حاکم شود. این تحقیق در پی بررسی تأثیر مجازات‌ها در کاهش جرایم مالیاتی است.

نتیجه اول پژوهش: مجازات‌ها تا چه میزان سبب کاهش جرایم مالیاتی می‌شوند؟
بر اساس اطلاعات جدول (۱)، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد بنابراین میزان تأثیر مجازات‌ها در کاهش جرایم مالیاتی بیش‌تر از حد متوسط است. این نتایج بیانگر آن است که کارکنان سازمان مالیاتی شهرستان خوزستان معتقدند که با افزایش مجازات‌ها می‌توان از افزایش جرایم مالیاتی جلوگیری کرد و به تبع آن باعث کاهش جرایم مالیاتی شد. بنابراین عدم آگاهی مودیان

مالیاتی نسبت به وظایف قانونی خود، سبب نارضایتی مودیان مالیاتی شده و مراحل وصول مالیات را به تأخیر می‌اندازد. (فصلنامه تخصصی مالیات، ۱۴۰ ۱۳۸۷) یکی از ابزارهای کاهش رفتار عدم تمکین، جریمه مودیان مالیاتی است. (ملایی پور، ۱۳۸۵) جریمه قصور در انجام یک تکلیف قانونی، اگر درست لحاظ شود، مؤدی را به انجام آن عمل، تشویق می‌نماید. جرایم مالیاتی و نظام جریمه مناسب، در کاهش فرار مالیاتی (تمکین بیش‌تر آنان) مؤثر است. مردم گاهی به این دلیل تمکین نمی‌کنند که ممکن است روش تمکین از قانون را ندانند و یا اینکه آن را با زحمت و پر دردسر و پرهزینه ببینند.

نتیجه دوم پژوهش: بررسی تأثیر فقدان باور مالیاتی در بین آحاد مردم جامعه در فرار مالیاتی.

بر اساس اطلاعات جدول (۲)، Tمشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد بنابراین میزان تأثیر فقدان باور مالیاتی در افزایش جرایم مالیاتی بیش‌تر از حد متوسط می‌باشد. بنابر این با توجه به این نتایج کارکنان اداره مالیات معتقدند اگر در بین مؤدیان مالیاتی باور به پرداخت مالیات وجود نداشته باشد و پرداخت مالیات در آنها درونی نشده باشد میلی به پرداخت مالیات ندارند و این امر باعث کاهش و یا فرار مالیاتی در مؤدیان می‌گردد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش جعفری صمیمی و حمزه‌ای (۱۳۸۴) زهی و محمدخانلی (۱۳۸۹) همخوانی دارد و نها نیز معتقدند که مردم زمانی نسبت به پرداخت مالیات رغبت نشان داده و آن را داوطلبانه خواهند پرداخت که نسبت به دستگاه مالیاتی اعتماد پیدا کرده و به این باور برسند که مالیات پرداختی آنان عیناً در جهت حفظ منافع ملی و افزایش سطح رفاه آنان هزینه خواهد شد و در یک بیان کلی، زمانی مشتاق و راضی به پرداخت مالیات مقرر خواهند بود که به باور مالیاتی رسیده باشند، لذا ایجاد باور مالیاتی و اعتمادسازی از رویکردهای مهم دستگاه مالیاتی کشور و در رأس آن دولت می‌باشد و مهم‌ترین روش برای افزایش میزان و درجه باور مالیاتی، عملکرد بهینه دولت خواهد بود. در این راستا علاوه بر این که اطلاع رسانی واقعی از طریق رسانه‌های جمعی درباره نحوه هزینه مالیات پرداختی مردم، باعث ارتقای درجه اعتماد مردم می‌باشد، میزان رفاه اجتماعی مردم نیز خود عامل بسیار مهمی است که فرد همواره به واسطه سر و کار داشتن با آن می‌تواند بر اساس آن قضاوت نهایی‌اش را انجام داده و با مقیاس و میزان قرار دادن آن، باورش شکل می‌یابد. لذا دولت باید سعی و اهتمام جدی در برآوردن خواسته‌های مردم و نیز عمل به

شعارهای خود داشته باشد و بدیهی است که عدم توجه کافی، مردم را دلسرد و آن‌ها را به قانون‌گریزی تشویق خواهد نمود.

نتیجه سوم پژوهش: آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات باعث کاهش تخلفات مالیاتی می‌گردد.

بر اساس اطلاعات جدول (۳)، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد. بنابراین آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات بیش‌تر از حد متوسط در کاهش جرایم مالیاتی تأثیر گذار می‌باشد. بنابر این با توجه به این نتایج کارکنان اداره مالیات معتقدند آموزش قوانین و مقررات مالیاتی و آشنایی با مجازات‌های عدم پرداخت مالیات باعث می‌گردد که افراد از تشویق‌ها و مجازات‌های پرداخت و عدم پرداخت مالیات‌ها آشنا شده و این خود باعث می‌گردد تا فرار مالیاتی کاهش پیدا کرده و مؤدیان به پرداخت به موقع مالیات تشویق گردند. به عبارت دیگر عموماً مؤدیان مالیات به علت اینکه از اهمیت پرداخت مالیات آگاهی ندارند و به آنان آموزش داده نشده است فرهنگ مالیاتی در بین آنها ارتقا پیدا نکرده است. به جهت اینکه مردم اهمیت و جایگاه مالیات را در جامعه نمی‌دانند و با ضرورت پرداخت مالیات و کارکردهای اقتصادی آن در جامعه آشنایی نداشته و پرداخت مالیات را از دست دادن سرمایه خود می‌دانند و معتقدند که هرکس باید برحسب توانایی خود مالیات دهد؛ در این صورت میزان مالیات مردم ثروتمند بیش‌تر خواهد بود. سازمان مالیاتی می‌تواند با راهکارهای علمی و روش‌های صحیح بگونه‌ای عمل نماید که پرداخت مالیات به صورت هنجار، باور، ارزش و اعتقاد در بین مؤدیان درآمد، که البته این امر نیاز به برنامه‌ریزی آموزش بلندمدت دارد.

نتیجه چهارم پژوهش: صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤدیان باعث کاهش فرار مالیاتی می‌شود.

بر اساس اطلاعات جدول (۴)، T مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد. بنابراین صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤدیان بیش‌تر از حد متوسط در کاهش جرایم مالیاتی تأثیرگذار می‌باشد. بنابراین با توجه به این نتایج کارکنان اداره مالیات معتقدند که صداقت و احساس مسئولیت و ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤدیان سبب می‌گردد که آنها نسبت به پرداخت مالیات احساس مسئولیت کرده و نسبت به پرداخت به موقع مالیات اقدامات لازم را به عمل آورند و این امر خود باعث کاهش فرار مالیاتی می‌شود. نتایج این پژوهش با نتایج

پژوهش نصر اصفهانی؛ یودیال و همکاران (۲۰۱۰) و ریچاردسون (۲۰۰۶) همخوانی در د و آنها نیز معتقدند فرهنگ مالیاتی در برگیرنده مجموعه رفتارها و کردارهای موجود در نظام مالیاتی ما بین مؤدیان مالیاتی و دستگاه مالیاتی میباشد که در این راستا، فرهنگ‌سازی و توسعه و ترویج فرهنگ مالیاتی در بین عموم مردم با استفاده از نهادهای فرهنگی با یک برنامه مدون، علمی، کاربردی و منطقی، باعث تقویت روحیه اطمینان و اعتماد مردم نسبت به عملکرد دولت شده و مردم با تمامی سیاست‌های دولت، همگام گشته و نسبت به تأمین منابع مالی دولت همکاری می‌نمایند و بدین سبب هزینه وصول مالیات نیز بسیار نازل خواهد گشت. لذا پیشنهاد می‌گردد از طرق مختلف علمی، عملی و به روز اقدام به فرهنگ‌سازی مالیاتی گردد تا زمینه برای دیگر اقدامات نیز فراهم شود و در این راستا جهت شناساندن مفاهیم مالیات و دلایل أخذ آن با توجه به این که این موضوع یک مسئله فرهنگی است و نیاز به یک برنامه‌ریزی بلندمدت دارد پیشنهاد می‌شود درسی درباره مفاهیم مالیات قانونی و اثرات آن در مقاطع مختلف گنجانده شود و با استفاده از رسانه‌های گروهی در جهت شناساندن ماهیت مالیات در بین اقشار مختلف جامعه گام برداشته شود.

به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که از نگاه کارکنان اداره مالیات شهرستان اهواز متغیرهای تناسب جرمه با جرم؛ باور مالیاتی؛ آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی؛ تأثیر مجازات‌ها و مشوق‌ها در مالیات بیش‌تر از حد متوسط بر کاهش جرایم مالیاتی تأثیرگذار است و با بهبود هر کدام از مؤلفه‌های فوق می‌توان امید داشت که میزان فرار مالیاتی و جرایم مالیاتی کاهش یابد. با توجه به چهارچوب نظری این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- ۱- فعالیت‌های فرهنگی به منظور افزایش مشارکت در پرداخت مالیات، به منظور بالا بردن روحیه مالیاتی، ۲- جایگزین کردن انگیزه‌های فرهنگی در اخذ مالیات به جای کنترل‌های قانونی و تحقیقات مرتبط با آن، ۳- افزایش کارآمدی دولت از طریق ارتقای توانمندی آن از طریق استفاده از نیروی انسانی متخصص و افزایش آموزش و آگاهی درون سازمانی و برون سازمانی به منظور شناسایی مفرهای مالیاتی مؤدیان، ۴- تبلیغات و تشکیل کلاس برای مؤدیان و یا آموزش‌های اینترنتی برای معرفی آثار مخارج ناشی از درآمدهای مالیاتی بر عموم جهت افزایش روحیه مالیاتی، ۵- توسعه بخش خدمات مؤدیان و ارائه تسهیلات و خدمات برای مؤدیان تا زمینه ارتباط بیش‌تر با اداره مالیات، فراهم شود، ۶- کاهش نرخ‌های مالیاتی توأم با گسترش پایه‌های مالیاتی و اجرای مقررات عمومی، که انگیزه برای انتقال به بخش غیرقانونی کاهش یابد، ۷- حذف و یا کاهش

تبعیض بین بخش خصوصی و دولتی جهت افزایش انصاف مالیاتی، ۸- اجتناب از تغییرات ناگهانی افزایش در بار مالیاتی و قوانین و مقررات و محدودیت‌های مالیاتی، ۹- توجه به زمینه‌های پیچیده شدن سیستم مالیاتی به عبارت دیگر ساده سازی و کاهش مقررات، ساده سازی ساختار مالیاتی، کاهش بار مالیاتی و جذاب سازی حرفه‌های قانونی، می‌تواند به‌عنوان اقداماتی برای تشویق حضور در فعالیت‌های قانونی محسوب شود.

فهرست منابع

- بهمنش، احمد (۱۳۸۶)، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی: از آغاز تا روی کارآمدن پارس‌ها، تهران: دانشگاه تهران.
- جعفری صمیمی، احمد و حمزه‌ای، علی اکبر (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلافروشان استان مازندران، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره (۱۳) شماره (۳۴)، ص ۲۰-۳.
- ضیائی، محمد تقی و طهماسبی، فرهاد (۱۳۸۳). مالیات بر ارزش افزوده، مالیات مدرن. تهران: انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۸۶). فرهنگ علوم اقتصادی، تهران: آسیم.
- مجتهد، احمد و احمدیان، اعظم (۱۳۸۷). اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران، ویژه نامه اقتصادی، سال هفتم، شماره اول، ص ۷۱-۱۰.
- محمدی، جواد (۱۳۸۶). مالیات و مسائل پیرامون آن، تهران: مرکز چاپ سحر.
- نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، مهرناز و دلوی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس مدل پستل، از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی، دوفصلنامه پژوهش‌های مالییه اسلامی، ص ۴۰-۲۹.
- هادیان، ابراهیم، تحویلی، علی (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه و بودجه، سال ۱۸، شماره ۲، ص ۵۸-۳۹.
- Richardson, G., (2006), Determinants of Tax Evasion: A Cross-country Investigation, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, No. 15, PP. 150-169.

Uadiale, O., Fagbebi, T., & Ogunleye, J. (2010). An empirical study of the relationship between culture and personal income tax evasion in Nigeria. *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, 20(2), 116- 126.